

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

برگردان: حمید علوی  
۱۹ می ۲۰۲۳

## هر سفر یک رسوائی!



مشخص نیست که آیا بئربوک توانست «ارزش‌های مبتنی بر قانون» را که در چمدان‌های دستی اش پنهان کرده بود از فرودگاه ریاض عبور دهد یا خیر. اما این چندان جای تعجب نیست، زیرا به همان اندازه این سؤال بی پاسخ است که دقیقاً این ارزش‌ها اصولاً چه چیزی را بیان می‌کنند.

«ارزش‌های مبتنی بر قانون» بئربوک بر اساس شکل بومیه، حال و هوا و کشوری که خانم رئیس در حال حاضر از آن بازدید می‌کند تغییر می‌کنند. این بار صحنه به وجود آوردن یک رسوائی دیگر عربستان سعودی بود، گوهری درخشان بر تارک حقوق بشر، احترام به صلح و حقوق انسانی به خصوص مرکز رعایت حقوق زنان و فمینیسم و حفاظت از محیط زیست و انرژی پاک!

حالا پیدا کنید پرتقال فروش را یا اصلاً چه چیزی طبیعی است؟

کشورهای عربی کاری کرده اند که نباید می‌کردند. آنها سوریه را دوباره به اتحادیه عرب می‌پذیرند. وزیر امور خارجه سبز – در این میان بیشتر سبز یشمی نظامی – درست وقتی دهان باز می‌کند مشکل می‌آفریند آنهم در موردی که در اصل می‌بایستی از آن خوشحال هم باشد، چون در نتیجه آن به جای درگیری و جنگ، طرفین به سر میز صحبت و مذاکره بازگشته اند. اما بئربوک، بئربوک نیست اگر چرند نگوید:

«هر گامی که به سوی اسد برداشته می‌شود باید موجب دادن امتیازات مشخصی از سوی سوریه باشد.»

دو نکته در این مورد به ذهن متبادر می شود:

اولاً اصلاً به توجه؟ از کی تا حالا جمهوری فدرال المان عضوی از جامعه عرب و کشورهای عربی است؟ که برای اتحادیه عرب تکلیف معین می کنید؟

ثانیا این پروئی و وقاحت را این خانم رئیس از کجا آورده که برای دیگران تصمیم بگیرد و خط و نشان بکشد و تعیین تکلیف کند چه چیزی درست و چه چیزی غلط است؟

بئربوک همچین جمله ای را بیان کرد که باید فوراً با آن برخورد شود زیرا به مدت زمان طولانی باز می گردد: «در سوریه، روند سیاسی برای حل و فصل مناقشه هنوز فاصله زیادی دارد. بیش از ده سال است که چیزی جز خونریزی، رنج انسانی باورنکردنی از آنجا گزارش شده است، و چیز دیگری در آنجا وجود نداشته است.»

و وزیر در ادامه افزود: المان و شرکای آن در منطقه امیدوار بودند از جلسه روز جمعه سیگنالی دریافت شود که عادی سازی با اسد منوط به شرایط خاصی است.

بیانید نگاهی به درگیری در سوریه بیندازیم

رونق اقتصادی در سوریه از اوایل دهه ۲۰۰۰ آغاز شد.

غربی ها بشار اسد را اصلاح طلبی می دانستند که محبوبیت زیادی در میان آنها داشت. با این حال، اصلاحات اسد بدون مشکل نبود و فشار خارجی به رهبری امریکائی ها نیز کمکی به بهتر شدن روند اصلاحات نکرد. گشایش اقتصادی و سازماندهی مجدد سوریه مشکلات بیشتری را برای آن به همراه داشت. مثل همیشه، وقتی درهای خصوصی سازی باز می شود، سرمایه گذارانی را نیز جذب می کند که هیچ سودی برای مردم ندارند و فقط به نفع جیب خودشان کار می کنند. در سوریه هم همینطور. قربانیان اکثر شرکت های کوچک و فامیلی و خانوادگی بودند که نتوانستند کاری در برابر رقیبان خارجی انجام دهند (بیشتر از ترکیه). در نتیجه تعداد بیشماری شرکت سوری مجبور به تعطیلی شدند. نئولیبرالیسم مشکلات بیشتری به وجود آورد. در نتیجه خصوصی سازی آموزش و پرورش، مدارس خصوصی توسط کشورهای خلیج فارس (از جمله عربستان و قطر که خانم رئیس مشغول آموزش و تنبیه فمینیستی آنهاست) برای آموزش قرآن و اسلام افراطی تأسیس شد که عمدتاً جوانان فقیر در آن بدون پرداخت شهریه شرکت می کردند. آنها بودند که بعداً در سال ۲۰۱۱ در خط مقدم مبارزه با اسد اسلحه به دست گرفتند. و گوئی این کافی نبود، خشکسالی طولانی مدت به اختلال بیشتر در روال زندگی مردم کمک کرد.

این مشکلات ماهیت داخلی داشت و حل آن در داخل کشور در بهترین حالت با حمایت سایر کشورها که توانائی مداخله برای کمک را داشتند، طبیعی بود. اما درست به عکس آن اتفاق افتاد. در سال ۲۰۱۱، سفیران ایالات متحده، المان و فرانسه به اعتراض ها پیوستند و علامت کلید خوردن جنگ را زدند. این شروع اعمال نفوذ گسترده بر وقایع سیاسی داخلی سوریه بود.

آنچه در پشت این توطئه بود توسط کارین لوکفلد در مقاله ای در NachDenkSeiten توضیح داده شده است: به گفته شاهدان عینی، اریک شوالیه، سفیر وقت فرانسه در دمشق، گفت: «رژیم اسد سقوط نخواهد کرد و اسد قوی است» او در سمت خود باقی خواهد ماند.

شوالیه در گزارش های خود از دمشق بارها این را نوشته بود و به خاطر آن به پاریس فراخوانده شده بود. حالا او در جلسه وزارت خارجه نظر خود را تکرار کرد و تأکید کرد که در سوریه است و می تواند آن را ارزیابی کند. سپس نیکلاس گالی، مشاور رئیس جمهور در امور خاورمیانه، صحبت های او را قطع کرد: «حرف مفت نزن. ما نباید به حقایق بچسبیم، ما باید فراتر از نوک بینی خود را نگاه کنیم. شوالیه بر موضع خود تأکید

کرد و از صحبت‌هایی که با اعضای مخالفان در سوریه داشت گزارش داد. گالی، فرستاده نیکلا سارکوزی، رئیس جمهور وقت، دوباره او را توبیخ کرد: «ما به اطلاعات شما اهمیتی نمی‌دهیم، ما به آن اهمیت نمی‌دهیم. بشمار اسد باید سقوط کند و سقوط خواهد کرد. یکی دیگر از شرکت کنندگان در جلسه، رئیس دفتر وزیر امور خارجه، هروه لادسوس، به یاد می‌آورد که گالی ظاهراً «برای شرکت در بحث نیامده بود، بلکه برای انجام یک مأموریت خاص آمده بود: برای تحمیل این دیدگاه که سقوط اسد اجتناب‌ناپذیر است. همه می‌بایستی درک می‌کردند که نظر متفاوت در این مورد در هیأت دیپلماتیک فرانسه قابل تحمل نخواهد بود.»

این بخش از آن جهت جالب‌تر است که سفرای فرانسه، بریتانیای کبیر و المان تقریباً همزمان توسط دولت هایشان برای مشورت به کشورشان فراخوانده شدند. اما در وزارت خارجه در برلین چه خبر بود؟

آنها می‌دانستند که چه می‌خواهند نقل قول بعدی موضوع را شفاف‌تر می‌کند:

«جوانان سوری که در احزاب اپوزیسیون فعال بودند در آن زمان به نویسنده گفتند که دوربین‌ها، رایانه‌ها و تیلیفون‌های هوشمند از لبنان با دستورالعمل‌های دقیق درباره نحوه فلم‌برداری از یک اعتراضات و جمعیت درگیر، هرچند کوچک، و سپس اشتراک‌گذاری ویدیوهای ضبط شده از طریق لبنان برای آنها ارسال شده است. اینترنت مجانی و توئیتر سازمان‌های خارج از کشور برای پردازش بیشتر در اختیارشان قرار گرفت.

برای آنها (جوانان عضو اپوزیسیون در سوریه) این دست و دل بازی‌ها بسیار عجیب به نظر می‌رسید، بنابراین آنها ارتباط خود را قطع کردند.»

اوضاع در سوریه در نتیجه نفوذ رسانه‌ها و ارسال تسلیحات گسترده تشدید شد. سوریه بارها به این وضعیت در شورای امنیت سازمان ملل متحد اعتراض کرده است. پاسخ المان به این اعتراضات سرهم بندی ابتکار اتحادیه اروپا برای اعمال تحریم‌ها علیه سوریه بود.

درام در سوریه تا به امروز ادامه دارد و اساساً تحریم‌های غرب است که به رنج باورنکردنی مردم در این کشور منجر شده است.

به دلیل «هوش و ذکاوت بی‌انتهای و دانش عظیم» او «درباره همه چیز»، می‌توان باور کرد بئربوک حتماً چیزی در مورد این پیشینه‌ها و اتفاقات سوریه نمی‌داند.

البته بی‌دانشی و کم‌هوشی او نمی‌تواند توجیهی برای انکار واقعیات و دستکاری آنها باشد چون یک وزیر امور خارجه باید... ولش کن بابا!

تحریم‌ها – به نظر می‌رسد اقدامات کنترل‌شده سیاسی است که فقط برای آسیب رساندن به حریف مربوطه انجام می‌شود. اما در واقعیت، زیرساخت‌ها، اقتصاد و فرصت‌های توسعه کشور آسیب دیده را از بین می‌برند.

این مستلزم رنج بی‌پایان برای مردم است که در موارد بی‌شماری منجر به مرگ آنها می‌شود. یک نمای کلی ترسناک از اثرات تحریم‌ها را می‌توان در اینجا مشاهده کرد.

اتفاقاً تا به امروز استفاده ادعائی اسد از گاز سمی علیه مردم نه تنها روشن نشده است، بلکه در مورد اعتبار روایت غربی نیز با تردیدهای جدی مواجه است.

در مجموع باید گفت که درگیری‌هایی که پس از سال ۲۰۰۰ در سوریه به وجود آمد، قطعاً می‌توانست با کمک اقتصادی و مهارت دیپلماتیک حل شود.

اما این هرگز انگیزه سیاست «ارزش‌های مبتنی بر قانون» نبوده و نیست.